

- روایت نهم موثقہ سماعہ ۱
- اشکال مرحوم خویی به دلالت موثقہ سماعہ بر تخیر ۱
- مناقشه شهید صدر در کلام مرحوم خویی ۱
- اشکال هفتم: اشکال شهید صدر ۳

موضوع: اخبار تخيير / تعارض امارات / تعادل و ترجيح

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در استدلال به موثقه سماعه برای تخییر در متعارضین حتی در صورت وجود مرجحات است.

روایت ششم موثقہ سماعہ

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى وَالْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ جَمِيعًا عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اخْتَلَفَ عَلَيْهِ رَجُلَانِ مِنْ أَهْلِ دِينِهِ فِي أَمْرٍ كِلَاهُمَا يَرَوِيهِ أَحَدُهُمَا بِأَمْرٍ بِأَخْذِهِ وَالْآخَرُ يَنْهَاهُ عَنْهُ كَيْفَ يَصْنَعُ فَقَالَ يَرْجِعُهُ حَتَّى يَلْقَى مَنْ يُخْبِرُهُ فَهُوَ فِي سَعَةٍ حَتَّى يَلْقَاهُ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِأَيُّهَا أَخَذَتْ مِنْ بَابِ التَّسْلِيمِ وَسَعَكَ» ١

اشکالاتی به دلالت این روایت بیان شد و گفته شد که این روایت نه تنها از ادله تخییر نیست بلکه از ادله تساقط است و نمی توان به آن برای تخییر در فرض تعارض استدلال نمود.

اشکال مرحوم خویی به دلالت موثقه سماعه بر تخیر

حکم به تخییر در مورد روایت، علی القاعده است؛ زیرا فرض روایت این است که یک روایت امر و دیگری نهی می کند یعنی دوران امر بین محذورین است که در آن، علی القاعده، حکم به تخییر می شود.

مناقشه شهید صدر در کلام مرحوم خویی

اولاً: دوران بین محدودین، ملازم با حکم به تخیر نیست؛ بلکه تنها در صورتی حکم به تخیر می شود که عام فوقانی یا اصل عملی در آن مساله وجود نداشته باشد؛ زیرا هنگامی حکم به تخیر می شود که تردید بین وجوب و حرمت باشد و پس از تساقط، دلیلی بر تعیین وظیفه نباشد و در غیر این صورت پس از تساقط متعارضین، عموم فوقانی یا اصل عملی مرجع خواهد

١ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢٧، ص ١٠٨، أبواب، باب، ح، ط آل البيت.

اشكال ینجم:

مفاد روایت صرفاً بیان تأخیر در موردی است که یک روایت امر و روایت دیگر در همان مسأله نهی می‌کند و الغاء خصوصیت از مورد این روایت به تمامی انواع تعارض صحیح نیست؛ زیرا در این مورد احتمال خصوصیت وجود دارد به این بیان که ممکن است در تعارض بین امر و نهی، به جهت نفی ثالث که مفاد هر دو روایت است، اصل الزام در مسأله احراز تعبدی شده و بدین جهت، در روایت مذکور، حکم به تأخیر شده است اما در دیگر موارد تعارض که اینگونه نیست، حکم به تأخیر نیازمند دلیل است و این روایت قاصر از اثبات آن است.

بله ظاهر کلام مرحوم خویی این است که روایت مذکور در فرضی صادر شده که عام فوقانی در مساله وجود نداشته باشد و ادله منحصر در متعارضین است.

این اشکال فارغ از اشکالات سابق، اشکال صحیحی است و ممکن است مراد مرحوم خویی نیز همین مطلب بوده به شاهد اینکه تخییر اصولی با تخییر در دوران بین محذورین تفاوت دارد و بعید است مرحوم خویی مبنای خویش را در این روایت فراموش کرده باشند.

اشکال ششم: اشکال شهید صدر

حکم به سعه در این روایت، به معنای توسعه در تعارض در روایات در امور اعتقادی است یعنی اگر دو روایت در بیان امور اعتقادی معارض بوده و یک روایت امر به اعتقاد به مطلبی و روایت دیگر نهی از اعتقاد بدان مطلب می‌کرد، لزومی به اعتقاد به هیچیک نبوده و مکلف در اعتقاد در آن مساله در توسعه است.

شاهد این ادعا این است که فرض تعارض در این روایت، بین دو روایتی شده که امر به اخذ و نهی از اخذ می کنند نه اینکه امر و نهی به فعل داشته باشند و امر و نهی به اخذ، صرفاً در امور اعتقادی متصور است و در احکام شرعی علاوه بر اینکه وقوع تعارض بین امر و نهی مستبعد است، صرفاً امر و نهی به فعل مکلف تعلق می گیرد نه به اخذ و التزام مکلف، پس مفاد این روایت تخییر در روایات متعارضه در امور اعتقادی خواهد بود و مرتبط به محل بحث که تعارض در احکام فرعی است نمی

شود. ۱.

١ بحوث في علم الأصول، السيد محمد باقر الصدر، ج ٣، ص ٣٤٠.